



نصرالله عامل صلح بود

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در همایش بین‌المللی مکتب نصرالله گفت: «اسرائیل حتی در ترور سیدحسین نصرالله رسوا شد و آن‌ها تلاش کردند چهره یک رهبر صلح‌طلب را به گونه‌ای دیگر نشان دهند در حالی که نصرالله و یارانش عامل صلح و ثبات نه‌تنها در غرب آسیا بلکه بدون هیچ اغراقی، در دنیا بودند.» وی تأکید کرد: «جهان نقش حزب‌الله در مهار گروه تروریست داعش را فراموش نمی‌کند. جریان تروریستی داعش عملیات‌های خود را محدود به سوریه و عراق و کشور‌های خاورمیانه نکرد.» رئیس مجلس گفت: «امروز دنیا به ویژه اروپا امنیتش را مدیون رهبری شهید نصرالله است. حزب‌الله عامل صلح و ثبات است و اگر سران آمریکا برای منطقه غرب آسیا صلح می‌خواستند باید سگ پاسبان‌شان را کنترل می‌کردند نه اینکه فرمانده رشید و عاقل حزب‌الله را با بمب‌ها و دیگر ابزار نظامی و کمک‌های اطلاعاتی‌شان ترور کنند.» وی در پایان اضافه کرد: «ما به برگزاری جشن پیروزی در قدس شریف امیدواریم. مقاومت امروز ما برای باز شدن راه مردم‌سالاری برای همه فلسطینیان است؛ چه مسلمان باشند، چه مسیحی و چه یهودی. آنها مثل مردم سراسر دنیا حق دارند دولت خودشان را انتخاب کنند. روزی نه چندان دور این اتفاق مبارک خواهد افتاد؛ ان‌شاء‌الله.»



رد شکایت از ظریف

شکایت از محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور در دیوان عدالت اداری رد شد. براساس متن منتشرشده از رای دیوان عدالت اداری، شخصی به نام سجاد کریمی‌پاشاکی مبتنی بر دوتابعیتی بودن فرزندان محمدجواد ظریف، از انتصاب او به‌عنوان معاون راهبردی رئیس‌جمهور شکایت کرده است. در رای صادرشده به امضای صادق گوهرزی رئیس شعبه ۳۵ دیوان عدالت اداری آمده است: «در خصوص دادخواست شکای شاکمی به‌شرح فوق‌الذکر نظر به اینکه، یکم در اعتراض به تصمیمات موضوع ماده ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری جنبه خصوصی تصمیمات نسبت به جنبه عمومی برتری داشته و به همین جهت وفق ماده ۱۷ قانون ذینفع بودن شرط دانسته شده است و در مواردی که بیم تضییع حقوق عمومی می‌رود برای برخی اشخاص حقوقی به‌عنوان استثناء در تبصره‌های ذیل ماده ۱۷ مذکور بدون وجود نفع شخصی امکان طرح دعوی پیش‌بینی شده است و در تصمیمات موضوع ماده ۱۲ قانون مذکور به‌جهت غلبه جنبه عمومی تصمیمات وجود نفع شرط نمی‌باشد و همه اشخاص امکان طرح شکایت را دارند.»



درخواست آزمایش بمب اتم

احمد نادری، نماینده مجلس در صفحه توییتر خود نوشت: «مدعی شده‌اند که ایران موشک قاره‌پیما از شاهرود تست و شلیک کرده است. البته این موضوع جدیدی نیست و روال نظامی ما در توسعه موشک‌های بازدارنده، همین بوده و هست اما آنچه باید به‌زودی انجام شود، (و تا الان هم دیر شده) آزمایش اتمی و اعلام رسمی آن است. این یعنی بازدارندگی حداکثری.»

احمد خمینی، موسوی خوئینی‌ها و دانشجویان خط امام



ابراهیم اصغرزاده

از دانشجویان خط امام

با اینکه دولت آقای بازرگان مورد تأیید امام خمینی بود، اما آقای قطب‌زاده و آقای بنی‌صدر خودشان را رقیب دولت موقت می‌دانستند. آقای بازرگان به شدت اصولگرا و اخلاقی‌گرا بود؛ به عبارتی حاضر نبود از اصولش عدول کند؛ از جمله نمونه‌های آن، استعفای اوست. چیزی که آقای بنی‌صدر می‌فرماید این است که دولت بازرگان نسبت به هم روحانیت و هم سیستم حاکم یا هسته سخت حکومت آسیب‌پذیر بوده است. از جمله اتفاقات آن زمان رو به رو شدن دولت موقت با دولت در دولت است، با نیروهایی که کارشکنی می‌کردند. اما آنچه من می‌خواهم تعریف کنم این است که اشغال سفارت آمریکا خیلی مرتبط با دولت نبوده است. ما پیش‌بینی می‌کردیم که این کار احتمال دارد به دولت آسیب بزند و حتی پیش‌بینی می‌کردیم که دولت استعفا دهد اما نقطه‌تیز مرکز ما شاه بود. مسئله تضاد امپریالیسم با خلق از جمله این موارد است. به عبارتی ما آن زمان بیش از آنکه در ارتباط با روحانیت و یا مهندس بازرگان باشیم، متأثر از دکتر علی شریعتی و اندیشه‌های موجود در جامعه بودیم. برای ما ایدئولوژی مهم بود و دکتر شریعتی نگاهی که به دین می‌کرد خالهایی را در حوزه بحث‌های سیاسی آن روزگار پر می‌کرد و آقای

روایت اول

ما پیش‌فرمان همچون جامعه این بود که آمریکا خیلی نفوذ دارد و ۵۵ هزار آمریکایی در ایران به عنوان مستشار نظامی بودند و سفارت آمریکا بیشتر دست سیا و بخش نظامی بود تا وزارت خارجه. بچه‌های فرودگاه از خروج بسته‌هایی از کشور از طرف سفارت آمریکا می‌گفتند و شاید کمی توهم توطئه‌ای هم بود؛ البته چون دانشجوی بودیم نسبت به سایر دستجات کمتر این نگاه را داشتیم. به هر حال روند قضیه به نظر ما مشکوک بود و در برنامه‌ای که داشتیم برای پشتیبانی از حرف‌مان، سفارت را که اشغال کردیم، یک وانت می‌آوردیم و اسناد را با خود می‌بردیم و سپس از این اسناد مدارک را به دست می‌آوردیم و بعد از آن، توجیه و توضیح می‌دادیم چرا کار ما درست بوده است و اینکه آمریکا در کار کشور ما دخالت می‌کرده است. حال سوال این است که آیا این همان چیزی بوده که رخ داده است؟ بلافاصله پس از این اتفاق و تماسی که ما از طریق آقای موسوی خوئینی‌ها با حاج احمد‌آقا در قم گرفتیم، حمایت امام خمینی رخ داد. از نگاه من امام خمینی یک نایب‌سیاسی بود. کاریزمای امام با نگاه دور از سیاسی کاری و میانه‌روی باعث شکل‌گیری جنبش توده‌ای قدرتمند و انقلاب شد. در دست‌نوشته‌های من باقی مانده که تصمیم گرفتیم اگر امام مخالفت کرد مثل ۲۵ بهمن گفت که اینها را از آنجا بیرون بیاورید، ما آمادگی داشته باشیم و یا اگر کسی توسط اعضای سفارت کشته شد، جنازه‌اش را به دانشگاه تهران ببریم و راهپیمایی کنیم. ما اصلاً تصور نمی‌کردیم در دقایق اولیه امام خمینی از پروژه حمایت کند و آن را مورد استفاده قرار دهد. به عبارتی ایشان یک ماجرای تاریخی را به یک پروژه سیاسی سنگین تبدیل کرد. دکتر یزدی درباره اینکه ابتدا امام مخالف بود و گفت بیرون‌شان بریزید، به من گفتند: اما من توضیح دادم که در همان دقایق اولیه ایشان پیام دادند که به دانشجویان بگویید: «جای خوبی را گرفته‌اند و محکم بایستند.» تنها چیزی که این وسط اتفاق افتاد این بود که به دلیل رفاقت آقای موسوی خوئینی‌ها و سیداحمد‌آقا یک ارتباط اعتمادبخش بین ما و امام خمینی ایجاد شد. چنانچه به امام گفته بودند که اینها دانشجویان مسلمان بوده‌اند و ما هم باورمندها و پیشانی‌بند با عکس امام خمینی بسته

قصرار دو روزه واقعاً ۴۴۴ روزه

بررسی ابعاد تسخیر سفارت آمریکا در میزگردی با حضور ابراهیم اصغرزاده، فرخ نگهدار و محمدحسین بنی‌اسدی

سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

۴۵ سال از اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ می‌گذرد و در طول این ۴۵ سال برخی ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفته است. واحد رسانه و روابط عمومی نهضت آزادی ایران، میزگردی با محوریت واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با حضور ابراهیم اصغرزاده، دبیرکل انجمن اسلامی مهندسان، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و از دانشجویان پیرو خط امام، محمدحسین بنی‌اسدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران و وزیر مشاور امور اجرایی دولت موقت و فرخ نگهدار، از رهبران جنبش فدائیان خلق اکثریت و عضو مؤسس اتحاد جمهوری‌خواهان ایران برگزار کرد که در بخشی از آن روایت هر یک از این چهره‌ها در ادامه می‌آید.

دلایل و آثار اشغال سفارت آمریکا چه بود؟

بعدها درباره نقش راکفلر و نیکسون برای ورود شاه به آمریکا و دور زدن نظر کارتر در این زمینه منتشر شد را دیدید. اتفاق اول یعنی اعتراض دانشجویی به این تصمیم آمریکا با شرایط آن روزگار و وضعیت ایران سازگاری کامل داشت. طبیعتاً هر چه شد به نام آمریکا انجام گرفت و کسی به اینکه در آمریکا ورود شاه را در کاسه کارتر گذاشتند، توجه نداشت. بر اساس اطلاعات آن زمان اصلاً این نبود که این کارها را برای تضعیف کارتر انجام داده‌اند. اگر این‌را می‌دانستیم و تصمیم می‌گرفتیم که در صورت پاپس کشیدن آنها، ما هم پاپس بکشیم یک نتیجه و اینکه ما ۴۴۴ روز این تصمیم را ادامه دهیم یک نتیجه متفاوت داشت. با گذر زمان متأسف می‌شویم که چرا سطح احساسات و سطح اطلاعات سیاسیون به گونه‌ای بود که تفکیک این دو تصمیم رخ نداد و چرا چنین ادامه پیدا کرد. به عبارتی اشغال سفارت تظلیف این موضوع است و اگر به چشم گروگانگیری به آن بنگریم، هم دردناک است و هم هیچ کسی مسئولیتش را بر عهده نمی‌گیرد. شاید در ابتدا امام خمینی از آن حمایت کرد اما درباره ادامه پیدا کردن آن تا امروز مشخص نیست مسئولیتش بر عهده کیست و بعید می‌دانم صرفاً تهران مسبب و تصمیم‌گیر آن بوده باشند؛ چنانچه ذینفعان آن در جهان وجود داشته و یک فضای ضدايران ایجاد کردند و بر ادامه آن اثر گذاشته و سودشان را هم برده‌اند. از جمله اثرگذاری آن همین جنگ ایران و عراق است و این رخداد ارتباط مستقیم با فعالیت‌های دیگر چینی دارد و مراجعه به بختیار هم در همان زمان رخ می‌دهد. **ابراهیم اصغرزاده:** چند نکته اضافه بر سخنان دوستان بگویم. اول، دکتر یزدی در مجلس اعلام کرد که من اولین کسی هستم که با آقای موسوی خوئینی‌ها تماس گرفتم و اشغال سفارت را تأیید کردم که در روزنامه‌ها چاپ شد. شما می‌گویید که بیانیه نهضت آزادی استخوانا بوده است؛ سخنان مهندس بازرگان که استخوانا

نبود؛ ایشان حرفش این بود که شاه استعفا دهد و بعد به آمریکا برود. پس اکثر افراد جامعه نگران این بودند کسی که استعفا نداده، بتواند موثر واقع شود و کاری کند. آن زمان بیانیه نهضت آزادی تندتر از سایرین بود و خواسته‌اش این بود که اشغال سفارت را ادامه دهیم تا رابطه ایران و آمریکا قطع شود. دوم، درباره رابطه با خارج از کشور هم موضوع بسیار پیچیده است؛ موضوعات تاریخی را هم حوادث تشکیل می‌دهند. من آنقدر بر Butterfly Effect (اثر پروانه‌ای) آثار علی و معلولی موارد کوچک بر حوادث بزرگ) اعتقاد ندارم البته می‌توانیم حوادث مختلف تاریخی را کنار هم بگذاریم. ما همان زمان پس از طرح موضوع با آقای خوئینی‌ها تیمی برای ارتباط با مقامات و توضیح قضیه راه انداختیم که از جمله افراد آن رحمان دادمان بود که به مجلس خبرگان قانون اساسی می‌رود و موضوع را با آیت‌الله منتظری، آقای دکتر بهشتی و سایرین مطرح می‌کند و آنها هم در همان جلسه از آن حمایت می‌کنند. درباره اینکه جای دیگری برنامه‌ریزی شده من این را نمی‌دانم چون من به شخصه اگر چه رابطه‌ام با آقای [آیت‌الله] خامنه‌ای از مشهد وجود داشت اما رابطه خوبی با حزب جمهوری‌خواه نداشتم. درباره اثرگذاری‌ها بر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نیز من مدعی نیستم که چنین نبوده است؛ اما کدی هم برای آن ندارم. فقط همین که قرار بود مسئله در مهرماه در مجلس حل و فصل شود و همه چی آماده شد اما عقب می‌افتاد. همه پیگیری تصویب آن بسا توجه به وظیفه‌ای که امام بر مجلس گذاشته، بودند اما در روز رای‌گیری اولین آیستراکسیون تاریخ مجلس پس از انقلاب اتفاق می‌افتد. البته کاملاً به نفع رنگان شد اما مسئله رنگان و آثار اشغال سفارت در پیروزی او می‌تواند موضوع یک پژوهش باشد. نکته بعدی اینکه برنامه دانشجویان پروژه ۴۴۴ روزه نبوده است و حتی آقای رجایی در دیدار با ما گفت که «این میوه گندیده‌ای است که باید هر چه سریعتر از شرش خلاص شویم.» پس از آن، بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد؛ کار به مجلس اول سپرده شد و مردم تظاهرات کردند و خیلی پیچیده بود. حالا درباره پیامدهای این واقعه اگر چه رنگان که از راست‌ترین‌ها در آمریکا بود به قدرت رسید؛ اما او مک‌فارلین را به ایران فرستاده بود و پیشنهاد تغییر رابطه داشت و با توجه به اینکه شوروی هنوز قدرت داشت؛ تمایل گفت‌وگو وجود داشت

